

خدمات اخذ ویزای دبی به نازلترین قیمت



تکتهای خطوط هوایی جهان

visa@skytravels.com

آدرس: سرک ۱۰ وزیر محمد اکبر خان، کابل موبایل: ۰۷۹۹ ۴۹۴۹۴۹ / ۰۷۹۹ ۶۳۳ ۳۳۳ / ۴۸۴۸۴۸۰۷۹۹ / ۰۷۰۸ ۴۵ ۴۵ ۴۵



1136 SUNDAY | 28 AUGUST 2016 | YEAR 05

۱۱۳۶ یکشنبه | ۲ سنبله ۱۳۹۵ | سال پنجم



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515

صفحه ۲

ولسوالی جانی خیل پکتیا به دست طالبان افتاد

اطلاعات روز: مقامهای ولایت پکتیا می گویند در نتیجهی حملهی جمعه شب طالبان بر ولسوالی جانی خیل، چندین پوسته در نزدیکی ولسوالی به دست گروه طالبان افتاده و دو طرف تلفات و خسارات زیادی متحمل شده اند. هرچند گروه طالبان ادعا کرده که این ولسوالی را کاملاً در اختیار گرفته و تلفات زیادی را به نیروهای امنیتی وارد کرده اند اما نقیب احمد اتل در تماس با اطلاعات روز گفت...



یاد داشت روز
صفحه ۲

سریعترین اینترنت 3G - بهترین قیمت

10GB

در بدل ۱۱۰۰ افغانی

مدت اعتبار: ۳۰ روز

برای اشتراک:

10GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید



افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

یک شرکت افغانی، توسط افغانها، برای افغانها

۱۵۲



یکشنبه
۷ سنبله
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۱۳۶



یادداشت روز

شاهراه‌های ناامن

در بسیاری از ولایات کشور نبرد سنگینی میان نیروهای امنیتی و طالبان جریان دارد. نیروهای امنیتی و دفاعی توان و توجه خود را جهت سرکوب طالبان متمرکز کرده و تلفات سنگینی هم به تروریستان وارد کرده‌اند. با این حال، جنگ در حال فراگیر شدن است و مخالفان دولت جنگ را از مناطق محدود به ولایات و ولسوالی‌ها گسترش داده‌اند. به‌رغم حمله‌ی طالبان بر مراکز ولایات و ولسوالی‌ها، مسدود کردن و ناامن کردن شاهراه‌ها یکی دیگر از تاکتیک‌های جنگی است که طالبان در پیش گرفته‌اند. در گذشته برخی از بزرگ‌راه‌ها ناامن بود اما اکنون طالبان رسماً جاده‌های بزرگ کشور را تحت کنترل در آورده و بر رفت‌وآمد مسافری نظارت می‌کنند.

طالبان شاهراه قندهار و هلمند را از مدت‌ها به این طرف به روی رفت‌وآمد بسته‌اند. حضور این گروه در شاهراه قندوز و تخار به‌دلیل جنگ در این ولایت برجسته است و مردم جرأت سفر از این بزرگراه را ندارند. شاهراه کابل-قندهار-هرات از گذشته‌های دور به این طرف ناامن بود اما فعلاً خطر در این مسیر بیشتر شده است. به‌تازگی طالبان جاده‌ی کابل و جلال‌آباد را ناامن کرده‌اند. به‌علاوه‌ی این که راه‌های ارتباطی بسیاری از ولسوالی‌ها به مراکز ولایات بسته یا شدیداً ناامن است.

مخالفین مسلح با کار گذاشتن مین‌های کنار جاده‌ی، گروگان‌گیری، سرقت اموال مردم، بازرسی و اذیت و آزار مسافری، انفجار دادن پل و پلیچک و تخریب جاده‌ها عملاً شاهراه‌ها را مسدود و رفت‌وآمدها را غیرممکن کرده و یا دست‌کم با خطر جدی مواجه ساخته‌اند. طالبان با ناامن کردن بزرگ‌راه‌ها از یک طرف دولت را زیر فشار قرار می‌دهند از سوی دیگر با گروگان‌گیری، آتش زدن موترهای باربری بازرگانان، اخاذی از مسافری و با کشتن مردم به بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ی ممکن تلاش می‌کنند وحشت ایجاد کنند. بزرگ‌راه‌هایی که طی پانزده سال گذشته با هزینه‌های هنگفت مالی ساخته شد و در جریان ساخت‌وساز قربانیان زیادی هم گرفت اکنون بار دیگر در معرض نابودی قرار گرفته است. مخالفین مسلح ضمن اعمال مورد نظرشان در شاهراه‌ها ضربه‌ی جبران‌ناپذیر اقتصادی هم به مردم وارد می‌کنند. روزانه ده‌ها کاروان اموال تجاران و مردم توسط این گروه در مسیرهای یاد شده سرقت شده و یا به آتش کشیده می‌شود.

راه‌حل چیست؟

طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی به هر شکل ممکن در صدد آسیب زدن به دولت و ناامن کردن جاده‌ها و خلق وحشت در میان مردم‌اند. ادامه‌ی این وضعیت ضمن آن‌که به ویرانی بزرگ‌راه‌ها منجر خواهد شد و مردم متحمل خسارات مالی و جانی خواهند شدند، دوام آن می‌تواند عملاً رفت‌وآمدها را برای مردم دشوار و غیرممکن بسازد. توجه داشته باشیم که دولت افغانستان نه امکانات هوایی برای حمل‌ونقل مردم را دارد و نه شهروندان توان و هزینه‌ی آن را.

راه‌حل فوری برای نجات از چنین دشواری‌ی، عملاً وجود ندارد. تأمین امنیت شاهراه‌ها تنها از طریق راه‌اندازی عملیات‌ها و ایجاد ایستگاه‌های امنیتی است. ثقل نیروهای امنیتی اکنون به ولسوالی‌ها و ولایاتی متمرکز است که جنگ در آن جریان دارد، و بزرگ‌راه‌ها عملاً به مخالفین واگذار شده است.

حیات کشور از بسیار جهات به شاهراه‌های کشور وابسته است. بزرگ‌راه‌ها به‌مثابه‌ی رگ‌های ارگانیک عمل می‌کنند و کشور عملاً از این طریق تغذیه می‌کند. در حال‌حاضر، شریان‌های اقتصادی و ارتباطی کشور در معرض خطر جدی قرار دارد و بایستی به آن توجه جدی صورت بگیرد.

ولسوالی جانی خیل پکتیا به‌دست طالبان افتاد

اطلاعات روز: مقام‌های ولایت پکتیا می‌گویند در نتیجه‌ی حمله‌ی جمعه‌شب طالبان بر ولسوالی جانی خیل، چندین پوسته در نزدیکی ولسوالی به‌دست گروه طالبان افتاده و دو طرف تلفات و خسارات زیادی متحمل شده‌اند. هرچند گروه طالبان ادعا کرده که این ولسوالی را کاملاً در اختیار گرفته و تلفات زیادی را به نیروهای امنیتی وارد کرده‌اند اما نقیب احمد اتل در تماس با اطلاعات روز گفت ولسوالی نه در کنترل دولت است و نه در کنترل طالبان. آقای اتل می‌گوید به طالبان تلفات جانی زیادی وارد شده اما جزئیات و آمار دقیق در دست نیست. سخن‌گوی ولایت پکتیا همچنان گفت در این درگیری ۵ پولیس نظم و امن عامه شهید و ۵ تن دیگرشان زخمی شده‌اند. به گفته‌ی آقای اتل در این درگیری دو عراده وسایط نیروهای امنیتی هم تخریب شده است. در همین حال ذبیح‌الله مجاهد که خود را سخن‌گوی گروه طالبان می‌خواند، در صفحه‌ی توئیترش نوشته است که ده‌ها سرباز امنیتی افغان در این درگیری کشته شده‌اند. او گفته است ۱۵ تانک، ۱۶ رنجر و ده‌ها میل اسلحه و مهمات نیروهای امنیتی افغان به‌دست طالبان افتاده است.

آقای اتل می‌گوید نیروهای تازه‌نفس فول‌اردوی ۲۰۳ تندر روان شده و به محل رسیده‌اند و پس از این‌که منسجم شوند، عملیات بازپس‌گیری برای پوسته‌هایی که از دست نیروهای امنیتی خارج شده را آغاز می‌کنند.

رییس اجراییه با متحدان انتخاباتی و حامیان

تیم اصلاحات و همگرایی دیدار کرد

نشست دومش با غنی و وضعیت سیاسی ابراز داشتند. خبرنگار افزوده که آنان در صحبت‌های خویش بر تطبیق موافقت‌نامه‌ی سیاسی برای بیرون رفت از وضعیت کنونی تأکید نموده و یکبار دیگر حمایت خویش را از ریاست اجراییه در این راستا ابراز داشتند. دیدار عبدالله با نماینده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا برای افغانستان و پاکستان در همین حال آقای عبدالله بعد از ظهر دیروز با ریچارد اولسن، نماینده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا برای افغانستان و پاکستان در قصر سپیدار دیدار کرد. در این نشست پیتر لیوای از شورای امنیت ملی آمریکا و مکینلی سفیر ایالات متحده در افغانستان نیز حضور داشته‌اند.

ریاست اجراییه می‌گوید که در این نشست روی «آخرین تحولات سیاسی- امنیتی، مذاکره و نشست با رییس‌جمهور، اصلاح نظام انتخاباتی، کنفرانس بروکسل و ادامه‌ی همکاری میان ایالات متحده‌ی آمریکا و افغانستان» بحث و تبادل نظر کرده‌اند. این نشست‌ها پس از تنش‌های سیاسی اخیر میان رییس‌جمهور و رییس اجراییه برگزار می‌شود. آقای غنی و عبدالله تاکنون دو نشست داشته و قرار است در هفته‌ی جاری نیز باهم نشستی داشته باشند.

رییس‌جمهور غنی از دانشگاه امریکایی ولیسه‌ی

نابینیان دیدن کرد

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی و رولا غنی بانوی اول کشور صبح دیروز از دانشگاه امریکایی افغانستان که چهارشنبه هفته‌ی گذشته هدف حمله‌ی مهاجمان مسلح قرار گرفت و لیسه‌ی نابینایان در نزدیکی این دانشگاه که در این حمله آسیب دیده است، دیدن کردند. ارگ ریاست‌جمهوری در خبرنگارهایی نوشته است که آقای غنی تعهد سپرده که دولت برای فعال‌سازی این دو نهاد آموزشی تمام تلاش‌ها را به خرج خواهد داد. غنی گفته: «تمام ملت و دولت از وقوع حمله بر یک نهاد آموزشی، شهید و مجروح شدن آینده‌سازان کشور متأثر شده، ولی تروریستان و حامیان‌شان بدانند که عزم و اراده‌ی ما برای آبادانی افغانستان و سرکوبی دشمنان همچنان استوار است.» او افزوده که به نهادهای امنیتی و شخص مشاور امنیت ملی هدایت داده تا ساحه را به‌صورت مکمل بررسی و تدابیر بیشتر امنیتی را اتخاذ کنند. او همچنان بر تحکیمات بهتر امنیتی دانشگاه تأکید

کار عملی بازسازی

تنگی تاشقرغان آغاز شد

اطلاعات روز: کار عملی تنگی تاشقرغان به روز شنبه توسط نصیر احمد درانی، وزیر احیا و انکشاف دهات آغاز شد و قرار است تا ده ماه آینده تکمیل و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. تنگی تاشقرغان، نقطه‌ی وصل مرکز و جنوب به شمال، چند بار در اثر جاری شدن سیلاب تخریب شده است و اکنون قرار است با هزینه‌ی بیش از ۱۷۱ میلیون افغانی به‌صورت پخته و اساسی به کمک بانک انکشاف آسیایی ساخته شود.

آقای درانی که به‌منظور افتتاح این پروژه به ولایت بلخ سفر کرده بود، گفت پروژه‌ی تنگی تاشقرغان شامل ساخت دیوارهای استنادی، سرک و کانال سرک می‌شود و با تکمیل آن مشکلات ولایت‌های شمال حل خواهد شد.

همچنان وزیر احیا و انکشاف دهات در سفرش به ولایت بلخ سنگ تهادب ۲۴ پروژه‌ی انکشافی دیگر را به ارزش ۱۶۰ میلیون افغانی گذاشته است. این پروژه‌ها شامل ساخت و احیای بند، سربند، پل، پلیچک، دیوارهای استنادی و کانال‌های آبیاری را شامل می‌شود و قرار است در ولسوالی‌های مختلف ولایت بلخ تطبیق و عملی شود.

افتتاح ۴۳ پروژه‌ی انکشافی در سمنگان

وزیر احیا و انکشاف دهات در کنار سفر به ولایت بلخ، به ولایت سمنگان نیز رفته و ۴۳ پروژه‌ی انکشافی را به ارزش بیش از ۲۱۹ میلیون افغانی در مرکز و ولسوالی‌های ولایت سمنگان افتتاح کرده است.

او گفته است این پروژه‌ها شامل اعمار و بازسازی کانال‌های آبیاری، دیوارهای استنادی، سرک، پل، پلیچک، سربند و برخی دیگر از پروژه‌های انکشافی می‌باشد.

افزون براین، آقای درانی از آغاز برنامه‌ی کارایی در چهار ولسوالی ولایت سمنگان خبر داده و گفته است: «به هدف کاهش فقر، ایجاد زمینه‌های کار، تقویت اقتصاد خانواده‌ها و حفظ و مراقبت از پروژه‌ها قرار است که در جریان روزهای آینده برنامه‌ی کارایی در ولایت سمنگان نیز آغاز شود. خوشبختانه با آغاز برنامه‌ی کارایی برای بیش از ۱۳ هزار سمنگانی زمینه‌ی کار کوتاه‌مدت مساعد می‌شود.»

به گفته‌ی وزیر احیا و انکشاف دهات حدود ۱۳۰ میلیون افغانی را در پروژه‌ی کارایی در ۲۶۰ شورای انکشافی قریه‌ها مربوط ولسوالی روی دو آب، دره‌ی صوف بالا، خرم و ساریاغ و حضرت سلطان اختصاص داده‌اند.

نشست «کاسا ۱۰۰۰» با حضور نمایندگان

افغانستان، تاجیکستان، پاکستان و

قرغزستان در فرانسه برگزار شد

اطلاعات روز: وزارت انرژی و آب می‌گوید که نشست «کاسا ۱۰۰۰» با حضور نمایندگان کشورهای تاجیکستان، پاکستان و قرغزستان و تمویل کنندگان پروژه‌ی لین برق کاسا ۱۰۰۰ روز شنبه در شهر پاریس فرانسه برگزار شد. ریاست هیأت افغانستان را در این نشست علی احمد عثمانی، وزیر انرژی و آب به عهده دارد و همایون قیومی مشاور ارشد ریاست‌جمهوری، امان‌الله غالب معین سکوتور انرژی وزارت انرژی و آب، مصطفی مستور معین وزارت مالیه، مسعود عزیزی معین وزارت امور داخله و قدرت‌الله دلاوری رییس عمومی شرکت برشنا نیز اعضای این هیأت می‌باشند.

وزارت انرژی و آب می‌گوید که این نشست چند روزه است و در روز نخست روی امنیت، موارد تخنیکی و تدارکاتی پروژه‌ی کاسا ۱۰۰۰ به‌خاطر جلب توجه شرکت‌های خصوصی و کارهای عملی پروژه با شماری از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی مانند زمینس، GE، CEEG، ABB و TBEA تبادل نظر شد.

در خبرنگارهای وزارت انرژی و آب آمده است که مسعود عزیزی معین وزارت داخله‌ی افغانستان در مورد مسایل امنیتی و ساحات مسیر عبور لین مربوط افغانستان در نشست معلومات ارائه کرده است. همچنان در مورد مسایل تخنیکی، مالی و تدارکاتی پروژه‌ی مسولان بانک جهانی، USAID، IFC و ADB گزارش داده‌اند.

در این نشست فیصله شده که به‌خاطر تطبیق به‌موقع این پروژه نشست بعدی در شهر دبی امارات متحده‌ی عربی برگزار شود.

«کاسا ۱۰۰۰» پروژه‌ی اقتصادی است که با فاصله‌ی ۱۲۵۰ کیلومتر، برق را از قرغزستان و تاجیکستان از طریق افغانستان به پاکستان انتقال می‌دهد. کار احداث این پروژه در ۲۳ حمل امسال در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، افتتاح شد.

افغانستان از درک این پروژه هر سال از پاکستان ۴۵ میلیون دالر حق‌العبور ترانزیت برق خواهد گرفت. علاوه بر این، ۳۰۰ میگاوات برق به افغانستان از این لین می‌رسد.

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

اولین پیروزی دادستانی کل مبارک‌بلا!

این روزها هر خبر، حداقل از سه مورد شکست و کم‌کاری و بی‌توجهی آدم را اطلاع می‌دهد. مثلاً دی‌شب یکی از خبرها این بود که ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا سقوط کرد. همین یک خبر به ما می‌فهماند که این ولسوالی مدت یک ماه در محاصره طالبان بوده که بعد از یک ماه با تهاجم گسترده طالبان مواجه می‌شود. نیروی کمکی به کمک نیروهای امنیتی این ولسوالی فرستاده نمی‌شود. در نتیجه، باقی نیروهای امنیتی پیش از این که با گلوله‌ی طالبان کشته شوند، فرار تاکتیکی می‌کنند. البته پیش از این که این ولسوالی کاملاً سقوط کند، به باور مقام ولایت پکتیا، این ولسوالی نه در کنترل طالبان بوده و نه در کنترل دولت، در کنترل خداوند متعال بوده است.

حالا اگر روزانه به ده تا خبر گوش دهیم، حداقل از ۳۰ مورد شکست، ۳۰ مورد بی‌توجهی و ۳۰ مورد گدودی در ادارات مرکزی و تصمیم‌گیری‌ها باخبر می‌شویم. برای همین، خبرهای پیروزی هر چند کوچک باشد، مثل پیروزی حق بر باطل آدم را شادمان می‌کند. برای همین من دوست دارم امروز خبر اولین پیروزی دادستانی کل کشور را برای این اداره، برای اشرف غنی که قرار است ماست این اداره را به روی تمام کشورهای جهان بمالد، برای ریاست اجراییه که با طمطراق فوق‌العاده بی‌نظیر از این اداره خواسته بود سیاسی عمل نکند و برای همه تریک عرض کنم.

داستان از این قرار است که چندی قبل، محترم کامران علیزایی رییس شورای ولایتی هرات با مقداری سلاح و مهمات به اداره‌ی دادستانی ولایت هرات رفته و دوست عزیزش که به اتهام فساد گرفتار شده بود را آزاد می‌کند. اگر بخوایم این ماجرا را به زبان کوچه بیان کنیم، آقای رییس شورای ولایتی هرات به دادستانی استیناف ولایت هرات می‌رود، به دهن این اداره ادرار کرده، رفیقش را نجات می‌دهد. بعدش دادستانی کل در کابل عصبانی می‌شود. در قدم اول وظیفه‌ی آقای علیزایی را به حالت تعلیق درمی‌آورد و به‌دنبالش او را ممنوع‌الخروج اعلام می‌کند. سپس دادستانی کل از وزارت داخله خواهش می‌کند که مظنونین محترم را برای تحقیق دست‌گیر کنند.

جواب روشن در برابر این اقدام دادستانی کل این بود: من فقط به خواست مولکین خود یا شخص رییس‌جمهور از وظیفه‌ام استعفا می‌کنم، در غیر آن هیچ خرسی حق ندارد از پاچه‌ی من بگیرد. بعدش دروازه‌ی شورای ولایتی هرات بسته شد، تظاهرات در دفاع از حمله‌ی مسلحانه بر استیناف و نجات متهم به فساد صورت گرفت. در کل فکر می‌کنم آقای رییس‌جمهور هم نخواست که چنین خادمی را در هرات از دست دهد، برای همین وزارت داخله هیچ مظنونینی را گرفتار نکرد.

بعدش شنیده شد که آقای علیزایی به کابل آمده تا از نزدیک یخن دادستانی کل را بگیرد و ببرد که دادستانی کل کیلوی چند باشد که وظیفه‌ام را معلق و خودم را ممنوع‌الخروج کند؟ اعصابم را خراب نکنید که به قرآن مجید قسم ظرف یک هفته چنان معلق‌تان کنم که تا آخر عمر سوزاک بمانید. گفته می‌شود که دادستانی کل در یک فضای صمیمانه، حکمش را لغو کرده یا به قول استاد محقق، نقش را پس لیسیده. این خبر در ظاهر نشان از شکست دادستانی کل را دارد، اما اگر کمی عمیق شویم و خاک را پس کنیم و ببینیم که چند تا مقام گردن‌کلفت پشت رییس شورای ولایتی هرات خوابیده، خودبه‌خود به دادستانی کل حق می‌دهیم که حکمش را باید پس می‌گرفت. به قول شاعر:

هرکجا یک گله خرس دیدی بمیر

ورنه تو را زنده زنده می‌خورند

به این معنا اگر قرار باشد که خرس ما را بخورد، بهتر است بمیریم، ورنه اگر ما را زنده بخورد، خیلی مایه‌ی تاسف است. برای همین دادستانی کل دید که کامران خان تنها نیست و بهترین متفکران دنیا و متنفذین تا به دندان مسلح قومی پشت سر او ایستاده، گفتند مگر ما مغز خر خوردیم؟! این عقب‌نشینی تاکتیکی، مثل عقب‌نشینی‌های تاکتیکی در قندوز، بغلان، بدخشان و پکتیا برای نجات جان مهم بود و یک نوع پیروزی محسوب می‌شود.

بناءً مبارکت باد آقا/خانم دادستانی کل! شما اداره را نجات دادید. مرگ بر ما که شما را درک نمی‌کنیم.

ترجمه: حمید مهدوی
وزارت دفاع آمریکا/شریل پرلین

سخن‌گوی حمایت قاطع: نیروهای امنیتی افغانستان خط‌سیر مثبت را طی می‌کنند



این جنرال گفت: «آنچه که شاهد آن هستیم این است که طالبان توانایی حفظ هیچ منطقه‌ی مشخصی را ندارند. مهم‌تر از همه آن‌ها توانایی حفظ هیچ مرکز جمعیتی را ندارند و این در حقیقت چیزی است که افغان‌ها تمام استراتژی‌شان برای این فصل جنگی را روی آن بنا کرده‌اند و قادر بوده‌اند امنیت مناطق پرجمعیت کلیدی و همچنین زیربناها را تامین کنند.»

این است که طالبان توانایی حفظ هیچ منطقه‌ی مشخصی را ندارند. مهم‌تر از همه آن‌ها توانایی حفظ هیچ مرکز جمعیتی را ندارند و این در حقیقت چیزی است که افغان‌ها تمام استراتژی‌شان برای این فصل جنگی را روی آن بنا کرده‌اند و قادر بوده‌اند امنیت مناطق پرجمعیت کلیدی و همچنین زیربناها را تامین کنند. او اضافه کرد که این تلاش اصلی طالبان است. کیولند اظهار کرد که از نظر تاریخی آن‌ها می‌خواهند این‌جا باشند و در آغاز فصل جنگی آن را اعلان کرده‌اند.

نیروی هوایی افغان

کیولند اذعان کرد که ماموریت حمایت قاطع ناتو احتمالاً در زمینه‌ی نیروی هوایی افغانستان دیر اقدام کرده است، اما گفت آن‌ها در حال‌حاضر با بیشترین سرعت ممکن در حال پیشرفت هستند و در سراسر کشور از هشت هواپیمای A-۱۹ سوپر توکانو برای انجام پشتیبانی هوایی نزدیک استفاده می‌کنند. نیروی هوایی افغانستان نیز ۲۳ چرخ‌بال عملیاتی MD-۵۳۰ دارد و ۵ عدد دیگر امروز دریافت کرد. کیولند گفت آن‌ها از این چرخ‌بال‌ها در هلمند استفاده می‌کنند. این جنرال اضافه کرد که برای حدود دو هفته نیروهای امریکایی نظر به اجازه‌ی که رییس‌جمهور بارک اوباما در اواسط ماه جون داد، در هلمند حملات «بسیار زیاد» انجام می‌داد. این جنرال گفت: «اما از آن زمان به بعد، آنچه که در حقیقت شاهد آن بوده‌ایم حملات و پشتیبانی هوایی از سوی افغان‌ها بوده است». او گفت: «ما وقتی در مورد این اختیارات جدید فکر می‌کنیم، از بسیاری جهات آن‌ها همچنین پلی برای یک قابلیت افغان‌ها است تا نیروی هوایی‌شان را بیشتر توسعه بدهند، یکپارچه‌تر بسازند و بیشتر این توانایی را داشته باشند تا از آنچه که آن‌ها آن را کنترل هوایی تاکتیکی افغانستان می‌خوانند استفاده کنند و سپس توانایی نقشه کشیدن برای اهداف عملی را داشته باشند. کیولند اضافه کرد: «بنابراین از دید ما آن‌ها در حال پیشرفت هستند. قطعاً آن‌ها راهی برای رفتن دارند، اما اغلب اوقات وقتی شما در مورد حملات هوایی در هلمند یا در قندوز می‌شنوید، این حملات هوایی افغان‌ها است و ما می‌آیم و در هنگام ضرورت کمک اضافی فراهم می‌کنیم.»

هلمند و قندوز، بوده است. این جنرال گفت: «این قلب فصل جنگی است و ما قطعاً این انتظار را داشتیم که قرار است طالبان تلاش کنند و آخرین زورشان را بزنند.»

عملیات‌های هلمند

کیولند، با خلاصه کردن برنامه‌ی حملات نیروهای افغانستان در سال ۲۰۱۶، گفت که در آخر ماه مارچ آن‌ها در قندوز [عملیات] شان را آغاز کردند و در اصل به حالت تهاجمی رفتند و تلاش کردند با طالبان درگیر شوند. این جنرال گفت که آن‌ها در آن‌جا موفقیت داشتند و سپس از شهر قندوز دفاع کردند و به دنبال آن به طرف جنوب رو کردند و تلاش اصلی‌شان را در هلمند به خرج دادند، جایی که «به نظر ما دوباره موفقیت داشتند». کیولند گفت که در مرکز هلمند یک گروه آموزش، مشوره‌دهی و کمک به فول‌اردوی ۲۱۵ ارتش افغانستان به رهبری امریکایی‌ها در کمپ شوراب مستقر است، جایی که این قول‌اردو نیز در آن مستقر است. این جنرال اضافه کرد که «هلمند همیشه محل تلاش اصلی طالبان بوده است. هلمند کانون اولیه توجه آن‌ها است. آن‌جا جایی است که آن‌ها بیشترین انرژی‌شان را سرمایه‌گذاری می‌کنند. وی همچنین اشاره کرد که طالبان فصل جنگی ۲۰۱۶ را با عملیاتی که عملیات عمری نامیده می‌شود آغاز کردند و گفتند که با این عملیات می‌خواهند مناطقی را به تصرف‌شان آورده و حفظ کنند تا بتوانند در هلمند پناهگاهی بسازند.

استراتژی حملات

کیولند گفت: «به شما صادقانه خواهم گفت جنگ در هلمند از آن‌چه که انتظار می‌رفت کندتر بود... ما فکر کردیم که طالبان زودتر حملات را راه‌اندازی خواهند کرد اما آن‌ها تا اواخر ماه جولای آغاز نکردند. همان‌طور که کیولند توضیح می‌دهد، ۱۵ تا ۲۰ طالب بر ایستگاه بازرسی یا مرکز یک ولسوالی حمله می‌کنند، یک گروه کوچک‌تری از نیروهای افغان که در آن‌جا مستقر هستند عقب‌نشینی می‌کنند، طالبان منطقه را چپاول می‌کنند و سپس نیروهای افغان بر می‌گردند و آن‌ها را بیرون می‌رانند. این جنرال گفت: «آن‌چه که شاهد آن هستیم

معاون ارتباطات رییس ستاد مشترک ماموریت حمایت قاطع ناتو امروز گفت که نیروهای افغان در سال جاری نظر به سال گذشته بهتر عمل می‌کنند و به‌صورت عموم در برنامه‌ی حملات تهاجمی‌شان در حال پیشرفت هستند و مسیر مثبت را طی می‌کنند. جنرال چارلس کیولند که از طریق کانفرانس ویدیویی از کابل به‌طور زنده صحبت می‌کرد، با ابراز همدردی عمیق با خانواده‌ی متیو تامپسن که در ۲۳ اگست در هلمند کشته شد و خانواده‌های ۱۲ تنی که هفت تن آن‌ها دانشجو بودند و در یک حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان در کابل کشته شدند، آغاز کرد. تامپسن در نتیجه انفجار یک مواد انفجاری جاماسازی شده که در جریان عملیات هنگام گشت‌زنی با هم‌تایان افغانش در نزدیکی لشکرگاه کشته شد. مقام‌ها گفتند که این انفجار یک نظامی دیگر امریکایی و شش سرباز افغان را زخمی کرد. کیولند گفت تحقیقاتی در حال انجام است تا شرایط دقیق این رویداد مشخص شود.

آموزش، مشاوره و کمک

ماموریت حمایت قاطع ناتو تلاشی برای آموزش، مشوره‌دهی و کمک است و مشاورانی را در چندین سطح در وزارت‌های دفاع و داخله جا داده است تا به افغان‌ها همه چیز، از شلیک اسلحه تا پرواز دادن هواپیما را آموزش بدهند و کمک مالی، مادی، تدارکاتی و استخباراتی کنند. کیولند گفت که حمایت قاطع همچنین در سطوح وزارت، ارتش، پولیس و نیروهای ویژه آموزش و مشوره می‌دهد و اضافه کرد که «ما زیر چتر ناتو این اجازه را داریم تا بیرون برویم و به هم‌تایان افغانی خود در سطح بسیار تاکتیکی آموزش و مشوره داده و کمک کنیم.»

کیولند گفت که در بسیاری از موارد این کارها در اردوگاه یا پایگاه انجام می‌شود و مشاوران حمایت قاطع این اجازه را دارند تا از سیم‌های [خاردار] بیرون بروند و در هنگام عملیات‌ها به هم‌تایان افغان آموزش و مشوره داده و به آن‌ها کمک کنند. او گفت: «البته نقش ما در آن این است که ما [در جنگ] شرکت نمی‌کنیم، دنبال هدف نمی‌رویم، اما کمکی را که آن‌ها به آن ضرورت دارند فراهم می‌کنیم.» کیولند گفت که به‌صورت کلی در افغانستان، ماموریت ناتو شاهد افزایش جنگ در جریان ماه گذشته، به‌ویژه در

افغانستان؛ گروگان جنگ منطقه‌ی هند و پاکستان

هافینگتن پست / عبدالله شریف

ترجمه: قدرت احمدی



افغانستان که همچنان در چند قرن پیش به‌عنوان چهارراه تمدن شناخته می‌شد، در چند دهه‌ی اخیر در چهارراهی‌های متفاوتی قرار گرفته است. این دوران اما برای افغانستان و ساکنان آن بسیار مخرب و مرگبار بوده است. موقعیت جغرافیایی افغانستان به‌عنوان یک کشور محاط به خشکسای در جنوب و مرکز آسیا دلیل بخشی از مشکلات آن می‌باشد. این کشور را می‌توان به‌عنوان کریدوری در نظر گرفت که جنوب آسیا را به مرکز و شرق آسیا را به غرب آن وصل می‌کند.

حضور چین در شرق و ظهور هند در جنوب به‌مثابه‌ی قدرت‌های جهانی و رقابت آنان بر سر منابع، کل منطقه را متأثر می‌سازد. منابع غنی و بکر در افغانستان، این کشور را برای هر دو کشور هند و چین جذاب ساخته است. هر دو کشور برای تداوم رشد اقتصادی و سلطه‌ی خود بر منطقه به منابع خام فراوان ضرورت دارد.

پاکستان اتمی که با هندی با اقتصاد و ارتش قدرت‌مندتر در حال جنگ قرار دارد، منافع خود را به‌دلیل نفوذ رو به رشد هند در افغانستان در خطر می‌بیند. بنابراین، پاکستان به حمایت از طالبان و ایجاد لانه‌های امن برای آنان ادامه می‌دهد. هدف آن‌ها این است که افغانستان را بی‌ثبات نگهدارند و همین‌طور نفوذ هند را در آن محدود کنند. پاکستان همچنان می‌خواهد آینده‌ی افغانستان را با ایجاد یک حکومت همسو با خود کنترل کند و از این طریق با نفوذ هند نیز مبارزه کند.

دشمنی میان هند و پاکستان یک فضای کاملاً بی‌اعتمادی را خلق کرده که به ونه‌ی منفی بر افغانستان نیز اثر می‌گذارد. هر حرکتی از جانب یکی از این کشورها، توسط دیگری مشکوک فرض می‌شود و ایجاد می‌کند که برای مقابله با آن اقدام کند. به نظر می‌رسد این سیاست به‌شکلی گسترده از کنترل خارج می‌شود و امیدی برای پایان آن در آینده‌ی نزدیک متصور نیست.

تا سال ۱۹۷۰م افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی بی‌طرفانه، خود را از منازعات منطقه‌ی تا حدودی حفظ کرد. در آن زمان افغانستان یک کشور باثبات بود و می‌توانست از خودش دفاع کند، پاکستان نیز قادر نبود تا افغانستان را به‌شکل غیرمستقیم و یا مستقیم توسط عناصر دست‌نشانده‌ی خود بی‌ثبات کند. اما تهاجم شوروی و نتیجه‌ی آن جنگ داخلی، مشروعیت حکومت در افغانستان را از بین برد. به‌علاوه تمامی بنیادهایی که حکومت بر آن بنا شده بود از بین رفت و زمینه برای هرج‌ومرج فراهم شد. پاکستان از این وضع بیشترین نفع را برد و طالبان را در دهه‌ی ۱۹۹۰ بر سرکار آورد تا از طریق آن

حکومت وحدت ملی تعهد جلوگیری از فساد، پایان دادن به فرهنگ معافیت، بهبود امنیت و غیره را به مردم داده بود، اما نتیجه تاکنون در بهترین حالت ملال‌انگیز است. شکست حکومت وحدت ملی با مجموعه‌ی از اختلافات سیاسی چالش اصلی حکومت‌داری می‌باشد. در رقابت هند- پاکستان، برخلاف سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۳۰ که افغانستان یک دولت باثبات محسوب می‌شد، حکومت فعلی افغانستان قادر نیست تا کشور را به مسیر درست هدایت کند. این کشور همانند یک کشتی بی‌سکان دار در دریای متلاطم و توفانی رقابت‌های منطقه‌ی از جهت‌های مختلف تحت فشار خواهد بود.

از آن بهره‌برداری می‌کنند. هم حکومت کرزی و هم حکومت وحدت ملی توسط جنگ‌سالاران کنترل می‌شود. این جنگ‌سالاران مسئول جنگ داخلی افغانستان در دهه‌ی ۱۹۹۰، پس از خروج شوروی از افغانستان می‌باشند. حکومت وحدت ملی به رهبری رییس‌جمهور غنی؛ کسی

افغانستان را کنترل کند.

سیاست داخلی افغانستان هم یک فاکتور بسیار پیچیده است. حکومتی ضعیف و غیرکارآمد و تسلط جنگ‌سالاران که از سال ۲۰۰۲ به این سو توسط ایالات متحده‌ی امریکا حمایت می‌شود، باعث بی‌میلی برخی افغان‌ها شده و طالبان و پاکستان

که مجبور به پذیرش توافق‌نامه‌ی تقسیم قدرت با عبدالله عبدالله به‌عنوان رییس اجرایی شد، در سپتامبر ۲۰۱۴ تشکیل شد. اعتبار این توافق‌نامه نزدیک به پایان است و آینده هم نامعلوم. غنی و عبدالله عبدالله چشم‌به‌چشم هم‌دیگر را کمتر می‌بینند. رابطه میان این دو مرد بسیار تیره شده است و عبدالله اخیراً غنی را برای ریاست‌جمهوری نامناسب دانسته بود. جای تعجب نیست با توجه به این‌که چگونه حکومت وحدت ملی از دل یک وضعیت بی‌ثبات به وجود آمد.

غنی به‌لحاظ اتنیکی پشتون است؛ بزرگترین گروه قومی در افغانستان. او مجبور بود با عبدالرشید [دوستم] جهادی بدنام ازبیک در شمال متحد شود تا کمبود رأی پشتون‌ها را جبران کند. اگر افغانستان در امتداد نادرست قوم و قبیله تقسیم شده است و اگر پشتون‌ها بزرگترین گروه قومی در افغانستان می‌باشند، چرا اشرف غنی حمایت دوستم را لازم داشت؟ دلیل اش این است که بسیاری از پشتون‌ها عقیده داشتند که آن‌ها به حاشیه رفته‌اند و مداخله‌ی جامعه‌ی بین‌المللی در افغانستان هم‌سو با اتحاد شمال علیه آن‌ها شده است. طالبان هم اکثراً پشتون‌اند. اتحاد شمال اکثراً تاجیک است و در برخی مواقع ائتلاف شکننده‌ی با ازبیک‌ها و هزاره‌ها نیز داشته است. در نتیجه شمار قابل توجهی از پشتون‌ها در روندهای انتخاباتی که به شدت مخدوش‌اند، شرکت نمی‌کنند. انتخابات سال ۲۰۱۴ به اتهام فساد به منجلا ب فرو رفت و غنی و عبدالله انگشت اتهام را به سوی یکدیگر نشانه گرفته بودند. برای جلوگیری مکرراً مداخله کرد تا گروه‌های متخاصم را یکجا کند. نتیجه شکل‌گیری به‌اصطلاح حکومت وحدت ملی بود که غنی را به‌عنوان رییس‌جمهور به رسمیت رساند و عبدالله را به ریاست اجرائیه منصوب کرد؛ مقامی که در قانون اساسی افغانستان وجود ندارد.

حکومت وحدت ملی تعهد جلوگیری از فساد، پایان دادن به فرهنگ معافیت، بهبود امنیت و غیره را به مردم داده بود، اما نتیجه تاکنون در بهترین حالت ملال‌انگیز است. شکست حکومت وحدت ملی با مجموعه‌ی از اختلافات سیاسی چالش اصلی حکومت‌داری می‌باشد. در رقابت هند- پاکستان، برخلاف سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۷۰ که افغانستان یک دولت باثبات محسوب می‌شد، حکومت فعلی افغانستان قادر نیست تا کشور را به مسیر درست هدایت کند. این کشور همانند یک کشتی بی‌سکان دار در دریای متلاطم و توفانی رقابت‌های منطقه‌ی از جهت‌های مختلف تحت فشار خواهد بود.

امضای سند پروژه‌ی «کمک قزاقستان به افغانستان در بخش توسعه» میان وزارت امور خارجه‌ی قزاقستان و برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد

مهدی زرتشت - آستانه



مشارکت برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد تمویل می‌گردد.

به باور کارشناسان، این پروژه یک فرصت فوق‌العاده را به‌خاطر به‌دست آوردن تجارب عملی از تمام مراحل تطبیق آن برای جمهوری قزاقستان فراهم می‌نماید که از مرحله‌ی تهیه و پالیسی‌سازی پروژه الی مدیریت و ارزیابی را شامل می‌شود.

در مراسم امضای این سند ایتیره کاواباته، سفیر جاپان در جمهوری قزاقستان، محمد فاروق برکی سفیر افغانستان در این کشور، توشینوبو رییس عمومی دیپارتمنت آسیای میانه، شرق آسیا و کشورهای قفقاز، اداره‌ی بین‌المللی همکاری جاپان، نمایندگان سفارت خانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مقیم قزاقستان اشتراک ورزیدند.

هستند، انتقال یابد.

یکی از فاکتورهای مهم دیگر این پروژه این است که عملی‌سازی این ابتکار زمینه‌ی همکاری جامعه‌ی جهانی را با افغانستان برای انکشاف پایدار این کشور افزایش می‌دهد.

برای قزاقستان این اولین پروژه است که در چارچوب سیستم ملی کمک برای انکشاف عملی می‌شود.

توافق روی عملی‌سازی این پروژه در اعلامیه‌ی مشترک در مورد تعمیق و گسترش مشارکت استراتژیک میان قزاقستان و جاپان انعکاس یافت که در جریان سفر رسمی س.ا.بی. نخست‌وزیر جاپان به این کشور در ۲۷ اکتوبر سال ۲۰۱۵ به امضا رسید.

بر اساس اطلاعات رسمی، منابع مالی این پروژه از صندوق

در جریان هفته‌ی گذشته، ایرلن ادیسوف، وزیر امور خارجه‌ی جمهوری قزاقستان و نریماسه شیماموره هماهنگ‌کننده‌ی دائمی سازمان ملل متحد/ نماینده‌ی دائمی برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد در جمهوری قزاقستان سند پروژه‌ی «کمک با قزاقستان برای همکاری با افغانستان در بخش کمک رسمی برای توسعه» را امضا نمودند.

این پروژه با همکاری برنامه‌ی انکشافی سازمان ملل متحد توسط وزارت خارجه‌ی جاپان و اداره‌ی بین‌المللی همکاری جاپان (JICA) تهیه شده است.

هدف این پروژه افزایش و یا بهبود استقلالیت اقتصادی زنان افغانستان است. در چارچوب این پروژه در نظر است تا تجربه‌ی قزاقستان در عرصه‌های مدیریت دولتی، داکتری و آموزش برای آن‌عده از زنان که در این بخش‌ها مصروف

چهلک

سخن‌سازان هاتفا

مخدوم بے عنایت

وقتی که مرحوم حافظ شیرازی گفت یارب مباد کس را مخدوم بی عنایت، دل همه‌ی ما به درد آمد. آدم خدمت کسی را بکند و آن کس هیچ عنایتی نداشته باشد؟ این وضعیت کام آدم را تلخ می‌کند. یک نمونه از این وضعیت را من دایما در افغانستان می‌بینم:

حتما ملاحظه کرده‌اید که شام، سر سفره، وقتی ریموت به دست بزرگتر خانواده می‌افتد، یک راست می‌رود سر کانال خیر. خیر هم معمولاً پر از دود و انفجار است. نه در یک جا، بل به‌قول خبرنگار طلوع در سرتاسر ولللاً بیبیت. خبر که تمام شد، نوبت میزگرد می‌رسد. شهردار پایتخت تشریف آورده و فهرست کاملی از کارهایی را که در پایتخت انجام داده با خود آورده.

می‌گوید که در یک سال گذشته ۵۶۷۸ عدد زباله‌دانی در سراسر پایتخت نصب کرده تا هم‌شهریان عزیز کابل بتوانند پوست کلبه‌یی را که نوش‌جان کرده‌اند سر سرک نیندازند و آن را به درون زباله‌دانی ملحق کنند. تاکید هم می‌کند که این زباله‌دانی‌ها برای پاک‌ی پایتخت‌اند. آن‌وقت برای محکم‌کاری اضافه می‌کند که شهردار قبلی هرگز این کار را نکرده بود و شهردار بعدی نیز نخواهد کرد. حال، در همین‌جا مورد «مخدوم بی‌عنایت» خود را نشان می‌دهد. همه‌ی کسانی که سر سفره نشسته‌اند و میزگرد را تماشا می‌کنند، یک‌صدا می‌گویند «بدر کردی بی ناموس!» عنایت نمی‌ورزند و شهردار را بی‌آب می‌کنند.

حال، عرض من این نیست که چرا مردم به شاروال فحش می‌دهند. گناه دولت است که شهردار را، با آن‌همه خدمتی که به هم‌شهریان کرده، به دهن مردم می‌اندازد. حتماً می‌گویید خوب، دولت چه کار کند؟ به‌نظر من دولت باید میزان بصیرت مردم را بالا ببرد. قضیه از این قرار است که شهردار آن چند هزار زباله‌دانی را در پایتخت گذاشته، ولی مردم آن‌ها را نمی‌بینند. برای این که مردم بصیرت دیدن آن‌ها را پیدا کنند باید به کورس‌های تفکر خلاق فرستاده شوند. البته معاون وزارت معارف در یکی از همین میزگردها گفت که هزاران کورس تفکر خلاق در پایتخت دایر هستند و هم‌شهریان می‌توانند در آن‌ها بروند. آن زمان هم مردم گفتند «گم شو بی ناموس».

ملاحظه می‌کنید که مردم ما چه‌قدر مخدوم بی‌عنایت‌اند؟ هزاران مکتب ساخته شدند و در خدمت هزاران اولاد وطن قرار گرفتند، ما ندیدیم‌شان و به وزیر فحش دادیم. هزاران کورس تفکر خلاق، از هزینه‌ی وزارت معارف، دایر شدند. نرفتم و به مسئولان فحش دادیم. هزاران زباله‌دانی در شهر نصب شدند، ندیدیم و شروع کردیم به اهانت به مقام شاروال دین رسول. خودمان که چیزی را ندیدیم، می‌گوییم خیالی است. یارب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت. و بی‌بصیرت.

عمران راتب

سینما و حاشیه‌ها



صحنه‌ی پایانی فیلم با وجود این که نشانه‌ی از ظفر و خوش اقبالی و محو دشواری‌ها را با خود به‌همراه دارد، یعنی رسیدن مرونا و صابر به‌هم‌دیگر، اما خزان و صدای زاغی که نمادی از سردی، دلمردگی، رنج و شوم‌وارگی است، به‌طرز ناامیدکننده‌ی بر آن سایه افکنده و فضای ملال‌انگیزی را بر افق انتظارات و توقعات مخاطب حاکم می‌سازد.

رگه‌های بارزی از همان «نگاه از بالا به پایین» را در واقع به نمایش گذاشته است؛ با نوع بیگاری حاکم بر نسبت میان کارفرمای ایرانی و کارگر افغانی و نابه‌سامانی شناخته‌شده‌ی زندگی افغانی‌ها: «... شما این افغانی‌های بدبخت رو میارید این‌جا، نصف حقوق بهشون می‌دید، مثل چه!!) هم از شون کار می‌کشید. اونام که صداشون در نیامد. چون دست‌شون جایی بند نیست. مدارک ندارند. واسه‌ی شما چه از این بهتر؟» (دقیقه‌های ۵۱ تا ۵۳).

انتظار داشتم یکی از مسایل قابل تأمل بر سر راه عشق مرونا و صابر در فیلم، تقابل دو فرهنگی باشد که دو جانب عشق از آن‌ها نمایندگی می‌کنند. انصافاً شاید نتوان در لابلا‌ی صحنه‌ها منکر کامل این موضوع شد، اما چنان که گفتم، نمود لازم را ندارد. محض نمونه، زمانی که از روی عشق مرونا و صابر برای عبدالسلام پدر دختر، پرده برداشته می‌شود، پدر با نوعی از خشم و نگرانی، ناموس‌داری و «غیرت افغانی» را در برابر این عشق از خود بروز می‌دهد: «آغا صابایی، ما د افغانستان برای خود ما کسی هستیم. عزت و احترام داریم. آب‌رو داریم. مه دختر مه د جایی شوی میثم که تا آخر عمر، به نام نیک صدایش کنه. نه این که چند وخت باد برش بگویه: او افغانی!» (از ۱:۱۶ تا ۱:۲۰).

ممکن است این مورد در نحوه‌ی تعامل هر مهاجر و آواره‌ی که هنوز نوستالژی زندگی در موطن اصلی‌اش در بی‌وطنی کنونی‌اش فراموش نشده و در یک دیاسپورای جان‌سوز به‌سر می‌برد، اتفاق بیفتد. اما زمانی که از فرهنگ سنتی کشور خاصی چون افغانستان با این تباهی‌های یاد می‌کنیم، مسأله تا حد زیادی تفاوت می‌کند. در فیلم مورد نظر، جز آن صحنه‌ی که در بالا از آن نقل شد، در دیگر صحنه‌ها این «غیرت افغانی» - جداً از قضاوت ارزشی در مورد آن، که بدون شک ناپسند است و خود حامل بسا نگویندگی‌ها - کاملاً نادیده گرفته شده. شاید مهم‌ترین دلیل این بوده که ساکنان آن محل اعم از ایرانی‌ها و افغانی‌ها، همه در سطح یکسان و مشابهی از فقر و اقتصاد قرار دارند. این اغماض اما، ممکن است در یک نگاه حمل بر نادیده گرفته شدن نحوه‌ی زیست خاص و خصالت‌های اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ی یک سمت ماجرا گردد و بر این مبنا، نوعی از عدم تعهد در حفظ تشخیص فرهنگی و اجتماعی در سینما را به نمایش گذارد، اما شکی نیست که دورنمای آن برای کاهش تنش‌ها و نگاه‌های ناگوار احتمالی در نسبت میان میزبان و مهمان، بی‌آیند نیک و مفیدتری خواهد داشت.

حرف آخر این‌که، صحنه‌ی پایانی فیلم با وجود این‌که نشانه‌ی از ظفر و خوش اقبالی و محو دشواری‌ها را با خود به‌همراه دارد، یعنی رسیدن مرونا و صابر به‌هم‌دیگر، اما خزان و صدای زاغی که نمادی از سردی، دلمردگی، رنج و شوم‌وارگی است، به‌طرز ناامیدکننده‌ی بر آن سایه افکنده و فضای ملال‌انگیزی را بر افق انتظارات و توقعات مخاطب حاکم می‌سازد.

گفتن ندارد که داوری در خصوص چگونگی «آزادی و عشق در سینما» و درک رموز و غموض هنر نمایشی، نیازمند دانش و آگاهی خاصی در این زمینه است. اما به‌نظر می‌رسد که فیلم علی‌رغم این‌که در هفدهمین جشن سینمای ایران در سال ۱۳۹۲، به موفقیت‌های شگفت‌انگیزی دست پیدا کرد، قدرت لازم در اقباع مخاطبی که آشنایی اندکی هم با سینما داشته باشد را ندارد. مخاطب ساده و بی‌ادعا - احتمالاً افغانی - در این فیلم، ترجیح خواهد داد به عوض آن موضوع کانونی و دال محوری در فیلم، یعنی عشق معمول بین دو جنس مخالف - هر چند بین یک افغانی و یک ایرانی - به پشت‌پرده‌ها و حاشیه‌ها بیشتر بنگرد. در آن حاشیه‌ها چیزهای بیشتری دستگیرش خواهد شد. چند متر مکعب عشق، جمشید محمودی، برنده‌ی تندیس افتخار بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌نامه، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین تدوین، بهترین نقش مکمل مرد، بهترین طراحی صحنه و معرفی استعداد، ۱۳۹۲.

وقتی فیلم آغاز می‌شود، قاعدتاً ماجرا شکل گرفته است و نه تنها شکل گرفته، بلکه همه‌چیزها جایگاه‌شان را کسب کرده‌اند. مرونا (دختر یک کارگر مهاجر افغانی)، صابر (پسر فقیر ایرانی) را دوست دارد و صابر نیز دل‌باخته‌ی مرونا است. همان سکانس آغازین فیلم به بیننده این مطلب را می‌رساند که از صحنه‌های بعدی نیز چیز غیرمتعارفی را انتظار نداشته باشد. یعنی آغاز نمایش به نحوی نمایان‌گر پایان آن نیز است. هر چند که بیننده با تماشای هر صحنه بیشتر داخل ماجرا می‌شود، چهره‌ی دیگری از استیصال و ضربه‌پذیری شخصیت‌ها نیز آشکارتر می‌شود؛ مسأله اما این‌جاست که فیلم فاقد تنش لازم می‌نماید. چشم‌داشت مخاطب از هنر نمایشی این است که، آن‌چه را که کلام مکتوب عاجز از به‌تصویرکشیدن آن است، در نمایش ببیند و آن‌هم بی‌هیچ تکلفی. به دیگر سخن، هنر نمایشی آوردگاه تنش‌ها و فرافکنی‌های غیرمعمول است که دیگر ژانرهای هنری فاقد آن‌اند. این‌جا اما بیننده به‌خوبی احساس می‌کند که اگر این روایت را در قالب یک رمان می‌خواند، بی‌شک با زاویه‌های تاریک و مواردی که از موقعیت ظهور و آشکارگی در متن قضیه دور انداخته شده، بیشتر آشنا می‌شد. زیرا آن چیز لازمی که در این فیلم غایب به‌نظر می‌رسد، درهم‌پیچی صحنه‌ها و ماندن آن‌ها در نحوه‌ی نمایش‌های متصلب و جاف‌افاده است؛ کنج و زاویه‌هایی که قادرند یک بیننده‌ی وسواسی و ناآرام امروزی را به‌طرف خود جلب کنند، در فیلم وجود ندارند.

خواننده تا این‌جا لاید حدس زده است که منظور چیست: فیلم سینمایی «چند متر مکعب عشق» به کارگردانی و نویسندگی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی. طبق معمول، روح تشریفاتی مآب و اندکی هم خسته‌کننده‌ی سینمای ایران بر این فیلم سایه افکنده. صحنه‌ها در طول هم‌دیگر و بر روی خط مستقیمی از فضا جلو دید خواننده ظاهر می‌شوند و در کل، فیلم فاقد چهره‌ی تودرتو است، امری که نیاز سینمای امروز را برمی‌سازد. به این مفهوم که بیننده‌ی آشنا با این ساختار روایی، با تماشای صحنه‌ی آغازین فیلم، در واقع آخرین صحنه‌ی آن را نیز دیده است. آغاز نمایش، نمایش پایان. یک‌نواختی معمول و ساده‌ی روایت‌گری؛ به‌عبارت دیگر، گونه‌ی روایت‌گری تک‌خطی که بی‌تردید فیلم را در قطار فیلم‌های نه‌چندان برانگیزنده و دیدنی قرار خواهد داد، بر فضای فیلم «چند متر مکعب عشق» تسلط دارد.

اما فکر می‌کنم آن چیزی که کادر ذهن و نوع نگاه‌مان را نسبت به بعضی از عوامل تغییر می‌دهد، نه نمای این فیلم، بلکه حاشیه‌های آن است. پدر مرونا انتهای آوارگی و مهاجرت را، دل‌پایسی غریب و تکان‌دهنده‌ی را و دل‌درگرو گذاشتن یک زادگاه بریادرفته و ویران‌شده را، صرفاً آن گاهانی به نمایش می‌گذارد که ظاهراً داستان از دال مرکزی خود فراروی کرده و در پایین آمدن از اوج حادثه، به آن حاشیه‌ها پرداخته است. یعنی سهم این قسمت از روایت، فقط حاشیه‌های فیلم است؛ نظیر: گوش دادن به رادیو که از افغانستان اخبار می‌گوید، شنیدن آهنگ‌های سچ و اصیل افغانستانی و از این قبیل. اما برای من یکی بیننده‌ی افغانی، دقیقاً همین حاشیه‌ها بودند که فیلم را از میان صدها فیلم بازاری دیگر بیرون می‌آوردند. ورنه، رابطه‌ی عشقی بین مرونا و صابر، در نفس خود هرگز نمی‌تواند یک امر تنش‌زا و نیز، یک پدیده‌ی جدید و ناشناخته تلقی گردد. چه این که نظیر این عشق‌آفرینی‌ها را مخاطب افغانی سینما سال‌هاست که با دیدن فیلم‌های سینمایی متعارف هندی تجربه کرده است. «خداگواه» با بازیگری امتیاب‌بچن و سری‌دیوی یکی از آن نمونه‌هاست؛ هر چند در یک فضا و احوالی اندک متفاوت.

محل وقوع حوادث در فیلم «چند متر مکعب عشق»، محلی سخت فقیرانه‌ی کارگری است. محلی که اغلب کارگران مهاجر افغانی در ایران، با آن آشنا‌اند. محل زیست و کار اکثریت مطلق افغانستانی‌ها در ایران. تفاوت نگرش یا نسبتی که کارگران افغانی با ایرانی‌های محل دارند نیز

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: جواد ناجی
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازارباز: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
- ❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

نخست وزیر ترکیه: ارتش تا پاکسازی مرزها در سوریه باقی می ماند

نزدیکی جرابلس بمباران کرده اند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، شورای نظامی جرابلس، متشکل از نیروهای کرد سوریه اعلام کرد که قرارگاه‌های نظامی آن‌ها در روستای عمارنه در جنوب شهر جرابلس هدف حمله‌ی هوایی ترکیه قرار گرفته است. شورای نظامی جرابلس این حمله را «غیرمنتظره» و «خطرناک» توصیف کرده است. ترکیه روز گذشته نیز به این منطقه راکت پرنای کرده بود. دیده بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا این حملات هوایی را تأیید کرده است.

ترکیه این ادعا را که ارتش این کشور قصد دارد در پوشش مبارزه با داعش کردها را سرکوب کند رد کرده و آن را یک «دروغ شرم‌آور» خوانده است. ترکیه از شبه نظامیان سوریه، تحت عنوان ارتش آزاد برای جنگیدن با داعش و یگان‌های مدافع خلق استفاده می‌کند. گفته می‌شود این گروه به جنگجویان کرد ۳ روز فرصت داده است تا به پشت رودخانه فرات عقب نشینی کنند. **نیروهای کرد در سوریه: جنگنده‌های ترکیه مواضع ما را بمباران کردند** در همین حال نیروهای کرد در شمال سوریه اعلام کردند که جنگنده‌های ترکیه مواضع آن‌ها را در

اطلاعات روز: همزمان با سومین روز از حمله‌ی ترکیه به مواضع داعش و شبه نظامیان کرد در سوریه ارتش این کشور اعلام کرد که تانک و تجهیزات بیشتری به مناطق مرزی ارسال کرده است. به نقل از یورو نیوز، بن علی ییلدیریم، نخست‌وزیر ترکیه نیز روز جمعه گفت که ارتش این کشور تا پاکسازی کامل مرزها از نیروهای داعش و سایر گروه‌های مسلح در سوریه باقی خواهد ماند. در همین حال آقای ییلدیریم کردها را «بزرگترین خطر علیه امنیت ملی» ترکیه خوانده و گفته است که این کشور حضور هیچ گروه کردی را در مرزهایش تحمل نمی‌کند. با این حال نخست‌وزیر

کاهش بی سابقه‌ی کمک‌های نظامی و اقتصادی امریکا به پاکستان

روابط خارجی مجلس سنای ایالات متحده در ماه مارچ سال جاری گفت که سعی می‌کند از کمک ۴۳۰ میلیون دلاری که به منظور خریداری طیاره‌های جنگی نوع اف-۱۶ به پاکستان اختصاص داده شده است، جلوگیری کند. اشتون کارتر، وزیر دفاع ایالات متحده نیز چند هفته قبل گفته بود که کمکی به ارزش ۳۰۰ میلیون دالر به پاکستان را متوقف ساخته است زیرا آن کشور در برابر شبکه‌ی حقانی هیچ اقدامی نکرده است. کانگرس ایالات متحده تا کنون کمک به ارزش میلیاردها دالر به پاکستان را برای سال مالی آینده تصویب نکرده است. یک مقام وزارت دفاع امریکا که نخواست نامش افشا گردد، گفته است انتظار می‌رود که پنتاگن ۳۵۰ میلیون دالر را به پاکستان در بخش کمک‌های نظامی در سال آینده‌ی مالی تصویب کند و گمان نمی‌رود که این رقم در زمان ریاست جمهوری بارک اوباما تصویب گردد.

شورشیان طالب موجب گردیده تا بارک اوباما رییس جمهور ایالات متحده از تصامیم قبلی خود در رابطه به وارد نشدن عساکر امریکایی در جبهات جنگ در افغانستان، صرف نظر کند. قبلاً تصمیم گرفته شده بود که تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی به تعداد پنج هزار سرباز امریکایی در افغانستان باقی خواهد ماند اما آقای اوباما ماه گذشته اعلام کرد که تا پایان سال جاری به تعداد ۸۵۰۰ عسکر امریکایی در افغانستان باقی خواهد ماند. پاکستان که زمانی بزرگترین اخذکننده‌ی کمک‌های امریکا بود، حال این کمک‌ها به‌طور بی‌سابقه کاهش یافته است. این کمک‌ها در سال ۲۰۱۱ به سه و نیم میلیارد دالر می‌رسید در حالی که در سال ۲۰۱۶ این رقم به کمتر از یک میلیارد دالر تقلیل یافته است. **حدود همکاری‌ها** صدای امریکا نوشته که در عین زمان باب کورکر، سناتور جمهوری خواه امریکا و رییس کمیته‌ی

اطلاعات روز: خبرگزاری رویترز گزارش داده است که با ابراز ناراضی و مایوسی مقامات امریکایی در قبال حمایت اسلام‌آباد از شورشیان طالب در افغانستان، ایالات متحده اخیراً کمک‌های نظامی و اقتصادی‌اش را به پاکستان به‌طور بی‌سابقه‌ی کاهش داده است. به نقل از صدای امریکا، مقامات امریکایی و تحلیل‌گران به این باوراند که این مایوسی از یک دهه بدین سو روابط پاکستان و امریکا را متأثر ساخته است. به‌خصوص پیشرفت‌های اخیر شورشیان اسلام‌گرا در برخی مناطق افغانستان در افزایش این مایوسی نقش بارزی داشته است. مایکل کوگلمن، کارشناس مرکز تحقیقاتی «ودروولسن» در واشنگتن گفته است که نشانه‌های تغییر پالیسی امریکا در قبال پاکستان به جانب هند در منطقه رونما گردیده است. مقامات امریکایی می‌گویند مایوسی واشنگتن، از جمله ناراضی‌های مقامات نظامی و استخباراتی ایالات متحده روی دوام حمایت پاکستان از

پیشرفت در مذاکره‌ی امریکا و روسیه در مورد سوریه

با این حال، عدم دسترسی به یک توافق نشان‌دهنده‌ی شکافی است که مسکو و واشنگتن را به دو جناح تقسیم می‌کند. در حالی که هم اکنون روسیه سرگرم فراهم‌آوری امکانات نظامی برای نیروهای رییس جمهور بشار اسد می‌باشد؛ از جانب دیگر ایالات متحده‌ی امریکا گروه‌های شورش‌ی را به هدف سرنگونی رییس جمهور آن کشور مورد حمایت قرار می‌دهد. تصمیم اخیر ترکیه برای مداخله‌ی نظامی در سوریه نیز ماهیت نبرد جاری را به‌عنوان یک جنگ نیابتی میان قدرت‌های منطقه‌ی، برجسته می‌کند. روسیه بارها از امریکا خواسته که جنگجویان «میان‌رو» را از جبهه‌ی النصره که تمایل به گروه القاعده دارند، جدا بسازد. ایالات متحده‌ی امریکا در عین زمان روسیه را متهم به هدف قرار دادن جنگجویانی می‌کند که مورد حمایت غرب قرار دارند.

افزون بر آن، دو طرف گام‌های بعدی را به هدف تقویت همکاری‌های نظامی و شریک کردن اطلاعات استخباراتی نیز بر خواهند داشت. جان کری گفته است: «ما بخش بزرگی از بحث‌های فنی را انجام دادیم که تمرکز بیشتر آن روی پایان خصومت‌های واقعی میان دو طرف بوده است.» سرگی لاوروف نیز گفته است: «فکر می‌کنم که در آینده‌ی نزدیک خواهیم توانست نتایج تلاش‌های مشترک خود را اعلام کنیم.» با این همه، جان کری و سرگی لاوروف خوش‌بینی شان را در قبال رسیدن به یک توافق ابراز داشتند. **کارهایی که باید انجام شوند** وزیر خارجه‌ی ایالات متحده گفته که قرار است نمایندگان سیاسی دو کشور در روزهای آینده روی چگونگی پیشرفت توافقات دو جانبه در ژنیو با هم دیدار داشته باشند. آنان امیدوارند که پیشرفت‌های این گفت‌وگو به آتش بس پایدار در سوریه منجر شود.

اطلاعات روز: گزارش‌ها حاکی است که وزیران خارجه‌ی ایالات متحده و روسیه گام‌های نسبتاً مؤثری را در نشست ژنیو برای پایان جنگ سوریه برداشته‌اند. هنوز دو طرف به توافق نهایی که منجر به برقراری آتش‌بس سرتاسری شود دست نیافته‌اند. به نقل از دویچه وله، جان کری، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا روز جمعه با سرگی لاوروف همتای روسی‌اش در ژنیو ملاقات کرد. هدف این دیدار دوجانبه گفت‌وگو روی یافتن راه حل به‌منظور پایان بخشیدن به جنگ جاری در سوریه بیان شده است. در پایان دیدار ده ساعته میان این دو مقام، کری در گفت‌وگو به رسانه‌ها گفت که روسیه و ایالات متحده‌ی امریکا «به‌وضاحت لازم در مسیر پیشرفت دست یافته‌اند» تا بتوانند از این طریق آتش‌بس را دوباره در سوریه برقرار نموده و دسترسی به کمک‌های بشردوستانه نیز بهبود بخشیده شود.

آزمایش موشک‌های بالستیک؛

کره‌ی شمالی از شورای امنیت انتقاد کرد

زیردریایی در آب‌های سواحل شرقی این کشور شلیک کرده است. یک مقام امریکایی گفت که موشک کی‌ای-۱۱ از آب‌های نزدیک سینپو پرتاب شد و ۵۰۰ کیلومتر دورتر در آب‌های دریای جاپان فرود آمد. یک مؤسسه‌ی پژوهشی امریکایی که فعالیت‌های نظامی کره‌ی شمالی را بررسی می‌کند، پیش‌بینی کرده که این کشور تا نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۸ میلادی بتواند به فناوری موشک‌های بالستیک دسترسی پیدا کند که از زیردریایی شلیک می‌شود.

بالستیک از طریق زیردریایی منتشر کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد آزمایش موشک بالستیک توسط کره‌ی شمالی را به شدت محکوم کرد. در این بیانیه، چین که متحد کره‌ی شمالی است، همراه ۱۴ عضو دیگر شورای امنیت سازمان ملل، پیونگ یانگ را به دلیل آزمایش موشکی تازه‌ی این کشور سرزنش کرده است. دو روز پیش، امریکا و کره‌ی جنوبی گفتند که کره‌ی شمالی یک موشک بالستیک را از یک

اطلاعات روز: کره‌ی شمالی از شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌خاطر صدور بیانیه‌ی در محکومیت آزمایش موشکی این کشور به شدت انتقاد کرده است. به نقل از بی‌بی‌سی، وزیر خارجه‌ی کره‌ی شمالی بیانیه‌ی اخیر شورای امنیت سازمان ملل را «به‌شدت تحریک‌آمیز» توصیف کرده است. سه روز پیش خبرگزاری دولتی کره‌ی شمالی تصویر شادمانی کیم جونگ اون، رهبر کره‌ی شمالی را «هنگام پرتاب آزمایشی موشک‌های

facebook

بگو مگو از facebook

Hamza Vaezi



نسل امروز ما به حراست از دانایی نیاز دارد نه حماسه‌سرایی. نسل جوان را باید باری نمود تا راهی را که به سمت روشنایی انتخاب نموده‌اند، از معبر خرد و خویشتن شناسی و خودباوری بگذرد. بازگشت به نوستالژی حماسه و احیای روح قوماندان پرستی‌ها، هم مسیر روشن بیداری را غبارآلود می‌سازد و هم جامعه را به‌خاطرات خون و نسل کشی و فاجعه‌های عظیم آدرس می‌دهد. ما رنج جنگ و جنون و جنایت‌های بزرگ را تجربه کرده‌ایم. آینده‌ی مطمئن نسل‌های ما با دانایی و روشنایی و شکیبایی و بلوغ شعور جمعی به منزل مقصود می‌رسد. نسل امروز و فرزندان فردای ما نیاز به حماسه‌سرایی و اشک و خون ندارند، آن‌ها نیازمند حراست از دانایی، شادمانی، مهربانی، لبخند و شکیبایی هستند.

Salman Ali Oruzgani



آیا واقعاً مردم نمی‌دانند؟
سقوط پیهم شهرستان‌ها (ولسوالی‌ها) به‌دست طالبان، به‌جزتجهیز، مسلح سازی و تقویت روحیه‌ی آن‌ها برای ادامه خونریزی، هیچ معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد. پاکستانی‌ها هم خواهند گفت خانه تان آباد که بدون زحمت و تحمیل هزینه براقصد بیماراش، سلاح، مہمات و امکانات لوژستیکی را برای مامورین شان (طالب‌ها) در محل ضرورت شان فراهم می‌سازند. این‌ها به کبکی می‌ماند که سرش را زیر برف کرده و خیال می‌کند که مردم آن‌ها را نمی‌بینند. به قول معروف «کورهم می‌داند که دلدۀ شورااست» اما چه کار می‌توان کرد؟

Abdula Watandar



از کوه‌های محبوب من تا حبیب الله کلکانی
من عاشق کوه‌ها هستم. دلیل خاصی هم ندارد. در دل یکی از باشکوه‌ترین سلسله کوه‌های جهان بزرگ شده‌ام و بخش مهمی از جهانم در دامن این کوه‌ها شکل گرفته است. گاه گاهی گول ارت را باز می‌کنم و به کوه‌های آشنای زادگاهم نگاه می‌کنم. بار اول که این کار را کردم، تکان خوردم. کوه‌های محبوب من، آن شکوه و عظمت سابق را نداشتند. اصلاً با شکوه نبودند. چرا؟ از موقعیت کمره‌ی گوگل ارت، من برای نخستین بار از جایی دیدگاهی به این کوه‌ها نگاه می‌کردم که قبلاً هرگز فرصتش را نداشته بودم. این‌جا و این دیدگاه، همان موقعیت کمره گوگل بود. از این موقعیت، کوه‌هایی دیدم که شباهت بسیار اندکی با آن کوه‌های با شکوه سابق من داشتند. موقعیت کمره گوگل، چهره کاملاً متفاوت آن کوه‌ها را برای من نشان داد که من با آن کاملاً بیگانه بودم، و نمی‌توانست با دنیای عاطفه و احساس من رابطه ایجاد کند. اینک شما به جای این کوه‌های محبوب من، تاریخ افغانستان را بگذارید و یکی از نقاط برجسته در آن را حبیب الله کلکانی فرض کنید. آن وقت به تفاوت برداشت و دریافت آدم‌ها از او بیاندیشید، به دریافت و برداشت آدم‌هایی که برخی از یک دیدگاه و موقعیت و برخی از دیدگاه و موقعیتی دیگر و کاملاً متفاوت به او نگاه می‌کنند. برداشت من آن است که دره‌ی تفاوت میان برداشت این دو گروه از آدم‌ها را با هیچ چیزی نمی‌توان پر کرد، اما می‌توان بر روی این دره پلی ساخت و تلاش کرد تا موقعیت و برداشت یک گروه را برای گروه دیگر تا حدودی قابل درک کرد. رفع کامل اختلاف، اگر نه ناممکن، خیلی دشوار است، اما می‌توان بر سر چگونگی اختلاف داشتن به توافق رسید.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، آدم‌ها آموخته‌اند که چگونه اختلاف داشتن شان را مدیریت کنند. در این کشورها هم، آدم‌ها بر سر همه چیز به توافق نرسیده‌اند، اما به توافق رسیده‌اند که دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت همدیگر را به رسمیت بشناسند و به گونه‌ی اختلاف داشته باشند که به منافع مشترک شان ضربه وارد نکند. در افغانستان، نشانه‌های خوبی برای رسیدن به این مرحله وجود دارد، اما رویکرد غالب همان تسلیم طلبی کامل و یا غلبه طلبی کامل است. از جمله‌ی آن نشانه‌های خوبی که یاد کردم، به نظر من، یکی همین توافق طرفداران احمدشاه مسعود و عبدالعلی مزاری بر سر اختلاف داشتن است. این‌ها به گونه‌ی قبول کرده‌اند که برداشت دو طرف از این دو شخص، کاملاً متفاوت است، این تفاوت را به رسمیت شناخته‌اند و این به رسمیت شناختن، راه را تا حدودی برای دوری از خصومت و حتا همکاری شان هم باز کرده است. مشکلی که بر سر خاک سپاری حبیب الله کلکانی پیش آمده است را می‌شود با تکیه بر چنین رویکردی حل کرد.

اگر نادرشاه، آرامگاه و تپه و هوادار دارد، چه فرقی می‌کند که کلکانی هم آرامگاه و هوادار داشته باشد؟ اما اگر برانداختن امان الله خان از قدرت تا این اندازه مهم است که برایش نفاق ملی را می‌توان پذیرفت، پس به جای نادرشاه، باید جاهایی را به نام عبدالخالق کرد و برای عبدالخالق، آرامگاه ساخت چون او کسی را از میان برداشت که تبعید امان الله را ابدی ساخت، او را از قدرت به‌صورت رسمی خلع کرد و حتا دارایی شخصی‌اش را غارت کرد. این طور نیست؟

لوک شاو: با مورینیو در مورد چلسی صحبت کرده ام

لوک شاو، مدافع انگلیسی منچستر یونایتد اعتراف کرد که در مورد رد پیشنهاد چلسی در زمان حضور مورینیو در این تیم، با او صحبت کرده است. مورینیو در زمان حضور در چلسی قصد داشت این مدافع جوان و آینده دار را به خدمت بگیرد. لوک شاو گفت: تا به حال چند بار با مورینیو در این رابطه به حالت طنز و شوخی صحبت کرده‌ایم و او دلیل رد پیشنهاد چلسی توسط من را پرسیده است. او یک مربی بسیار خوش اخلاق است و شخصیتی شوخ طبع دارد. البته با او در این رابطه حرف زدم و گفتم که در آن مقطع احساس کردم که موقعیت و شرایط بهتری در منچستر در انتظار من است و به همین دلیل این تیم را انتخاب کردم. حالا مورینیو این‌جا است و من از کار کردن با او بسیار خوشحالم.

هری کین: می‌خواهم برای همیشه در تاتنهام بمانم

هری کین، ستاره تاتنهام، معتقد است که این تیم آینده بسیار خوبی در پیش دارد و تأیید کرد که ممکن است تا پایان دوران حرفه‌ای‌اش در این باشگاه بماند. کین فصل گذشته ۲۵ گول در لیگ برتر برای تاتنهام به ثمر رساند و کمک کرد تا این تیم در لیگ برتر در رتبه سوم قرار بگیرد اما در دو دیدار ابتدایی این فصل، هنوز برای تاتنهام گول‌زنی نکرده است. با این وجود، شاگردان پوچتینو از ۲ دیدار، ۴ امتیاز کسب کردند و کین به آینده تیمش اطمینان دارد. او به خبرنگاران گفت: دوست دارم این‌جا بمانم. باشگاه در حال حاضر در فرم فوق‌العاده‌ای است و ما به عنوان یک باشگاه پیش می‌رویم و این مهم است. تا زمانی که یک دیدگاه در باشگاه وجود دارد، در جا نمی‌زنیم و به پیش می‌رویم. در حال حاضر، ما گروهی بازیکن جوان پرشور هستیم که مربی فوق‌العاده‌ای داریم، با یک زمین تمرین فوق‌العاده و یک ورزشگاه جدید که به زودی آماده می‌شود. دوست دارم تا پایان دوران حرفه‌ای‌ام این‌جا بمانم. تنها باید ببینیم چه رخ خواهد داد.

مانوئل پیگرنی به لیگ چین رفت

مانوئل پیگرنی، سرمربی سابق منچستر سیتی به عنوان سرمربی جدید باشگاه هبی چاینا فورچون انتخاب شد. سرمربی شیلیایی فصل گذشته در حالی به کار خود در باشگاه سیتی خاتمه داد که هنوز یک فصل از قراردادش با این باشگاه باقی مانده بود ولی گواردیولا جانشین او در اتحاد شد.

حال باشگاه هبی در توئیتتر خود تأیید کرد که مانوئل پیگرنی کار خود را در این باشگاه به عنوان سرمربی آغاز خواهد کرد.

اسکیل لائوتزی، ژورنیو، ام بیا، کاکوتا و ارسان گالوم تحت هدایت او در این تیم به میدان خواهند رفت. در ابتدا انتظار می‌رفت روبرتو مانچینی روی نیمکت این تیم بنشیند ولی به نظر می‌رسد سرمربی ایتالیایی پیشنهاد این باشگاه را رد کرده است. پس از ۲۳ بازی، هبی در رده‌ی پنجم لیگ قرار گرفته و با گوانگژو که اسکولاری را روی نیمکت خود دارد و صدرنشین است، ۱۵ امتیاز اختلاف دارد.

آنچلوتی:

تغییر زیادی در بایرن ایجاد نکردم

کارلو آنچلوتی، سرمربی بایرن مونیخ، اعلام کرد که از زمان حضورش در این تیم به جای پپ گواردیولا، تغییراتی زیادی ایجاد نکرده اما احساس می‌کند که تیمش مستقیم‌تر از فصول قبل بازی می‌کند.

بایرن جمعه‌شب در اولین دیدار فصل جدید بوندس لیگا موفق شد با نتیجه ۶-۰ رودربرون را شکست داد و آنچلوتی با ابراز خوشنودی از عملکرد شاگردانش، تأکید کرد که تیمش شبیه فصل قبل بازی می‌کند.

او به خبرنگاران گفت: ما شروع بسیار خوبی در این دیدار داشتیم. خیلی زود گول زدیم و کاملاً بازی را کنترل کردیم. من خیلی راضی هستم. تیم من نمایش خیلی خوبی داشت.

در واقع، من تغییر خیلی کمی در این تیم ایجاد کردیم. ما تنها تلاش کردیم که کمی مستقیم‌تر بازی کنیم. آنچلوتی همچنین در مورد روبرت لواندوفسکی، مهاجم لهستانی تیمش، که موفق به زدن سه گول در این دیدار شد، گفت: او بازیکن فوق‌العاده‌ای است. او همیشه در محوطه جریمه آماده گول‌زنی است.



سیله‌سن: می‌خواهم دروازه‌بان اول بارسا شوم

یاسپر سیله‌سن، دروازه‌بان جدید بارسلونا، امیدوار است که بتواند نظر لوئیس انریکه را جلب کرده و به دروازه‌بان اول آبی‌اناری‌ها تبدیل شود.

با جدایی کلودیو براوو از بارسا، این باشگاه سیله‌سن را از آژاکس به خدمت گرفت و او اکنون می‌خواهد رقبی جلدی برای مارک آندره تراشتگن باشد.

او به خبرنگاران گفت: تراشتگن دروازه‌بان فوق‌العاده‌ای است و همه این را می‌دانیم. او کیفیت فوق‌العاده‌ای دارد و امیدوارم در سطح او باشم. ما خیلی زود به هم عادت کردیم اما این مربی است که تصمیم می‌گیرد چه کسی بازی کند. می‌توانم بیشتر تلاش کنم؛ البته با به زندگی در بارسلونا

عادت کنم. امیدوارم تصمیم‌گیری را برای انریکه سخت کنم. با انریکه صحبت کردم و او به من گفت که از دیدن من در بارسا خوشحال شده است. بازی برای بارسا، نسبت به بازی کردن برای آژاکس متفاوت است اما در نهایت، این فوتبال است و دروازه‌ها شبیه به هم هستند. از این‌که اینجا هستم، خوشحالم و امیدوارم بتوانم کیفیتم را نشان بدهم.

من با احساس بدی از آژاکس جدا شدم زیرا ۴ گول مقابل روستوف خوردم اما همه خیلی گرم از من استقبال کردند؛ به ویژه لوئیس سوارز که به هلندی به من سلام کرد؛ حرکت فوق‌العاده‌ای بود.

پتر چک: مجبور شدم واردی را در بیل بزنم

پتر چک، دروازه‌بان آرسنال، فاش کرد قصد دارد برای چند سال دیگر به بازی کردن در بالاترین سطح ادامه بدهد و دلیل در بیل زدن جیمی واری، ستاره لستر سیتی برای دومین فصل پیاپی را فاش کرد. پتر چک که در پایان فصل گذشته ۳۴ ساله شد، بعد از رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ از بازی‌های ملی خداحافظی کرد اما قصد دارد همچنان به حضورش در بازی‌های باشگاهی ادامه بدهد.

او به خبرنگاران گفت: یکی از دلایلی که تصمیم گرفتم از بازی‌های ملی بازنشسته شوم، این بود که بتوانم همچنان به بازی کردن در بالاترین سطح ادامه بدهم. واضح است تا زمانی که از بازی کردن لذت ببرم، آماده باشم و این اشتیاق را داشته باشم که هر روز با همین اشتیاق ۱۰۰ درصد توان تمرین کنم، بازی خواهم کرد. اگر شرایط بدنی‌ام اجازه بدهد،

گواردیولا: بازگشت به بارسلونا همیشه ویژه است

پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی، تأیید کرد که بازگشت به نوکمپ برای بازی مقابل بارسا در چمپیونزلیگ، اتفاق ویژه‌ی برایش است اما این بازگشت را معمولی‌تر از بازی با بایرن مقابل بارسا در اپریل ۲۰۱۵ دانست.

گواردیولا در اولین بازگشت به نوکمپ در نیمه نهایی چمپیونزلیگ ۱۵-۲۰۱۴، ۳-۰ مقابل تیم سابقش شکست خورد و اکنون باید با منچستر سیتی، در مرحله گروهی لیگ قهرمانان این فصل، مقابل تیم لوئیس انریکه قرار بگیرد.

او به خبرنگاران گفت: نمی‌توانم انکار کنم که بازگشت به بارسلونا اتفاقی ویژه برای من است. من در آن‌جا بزرگ شدم و بیشتر سال‌های زندگی‌ام آن‌جا سپری شده است. من مردم، باشگاه، رسانه‌ها و بیشتر

زیدان: خامس جایی نمی‌رود

زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید، بار دیگر تأکید کرد که خامس رودریگز در این تابستان سانتیاگو برنابئو را ترک نخواهد کرد.

از زمان حضور زین الدین زیدان در رئال مادرید، جایگاه خامس در ترکیب اصلی این تیم متزلزل شده و در ماه‌های اخیر، شایعاتی در مورد احتمال پیوستن او به باشگاه‌های لیگ برتری به گوش می‌رسید. زیدان که چند روز قبل گفته بود خامس از بودن در رئال راضی است، از این‌که خبرنگاران همچنان در مورد آینده این ستاره کلمبیایی سوال می‌کنند، راضی نیست.

او به خبرنگاران گفت: خامس بازیکن رئال است. همیشه همین سوال از من پرسیده می‌شود و من همین جواب را می‌دهم. خامس بازیکن رئال است و این‌جا قرارداد دارد.

بله، او کم‌تر بازی می‌کند. شاید این را به عنوان یک مشکل ببینیم اما من دوست دارم بازیکنانم احساس مهم بودن کنند و او هم فرقی با هم‌تیمی‌هایش ندارد.

من به تازگی صحبتی با او نداشتم. در واقع با هیچ کدام از بازیکنان. با همه بازیکنان به صورت گروهی صحبت می‌کنم. اما در پاسخ به سوال شما باید بگویم که صحبت خصوصی با خامس نداشتم.

براوو: نمی‌شد به پیشنهاد پپ پاسخ منفی داد

کلودیو براوو پس از دو فصل درخشان در بارسلونا تصمیم به جدایی گرفت و با قراردادی به ارزش ۱۸ میلیون یورو به منچستر سیتی پیوست.

براوو که در بارسلونا فقط در لالیگا به میدان می‌رفت و در لیگ قهرمانان این تراشتگن بود که دروازه‌بان ثابت آبی‌اناری‌ها بود حالا این فرصت را دارد تا زیر نظر پپ گواردیولا در تمام جام‌های مهم برای سیتی بازی کند.

او در گفتگو با وبسایت باشگاه سیتی گفت: معتقدم وقتی بهترین مربی دنیا یک پروژه را برایت توضیح می‌دهد، انگیزه پیدا می‌کنی که فوتبال را طور دیگر ببینی. واقعا این موضوع ساری است و به دیگران منتقل می‌شود. نمی‌توانستم به پیشنهاد گواردیولا پاسخ منفی بدهم. باعث افتخار من است که به این تیم آمدم و بخشی از این پروژه بزرگ هستم. احساس مهم بودن دارم و هدف‌مان بردن همه جام‌هاست. ترک بارسلونای بزرگ کار آسانی نبود البته در سیتی هم انتظارات زیاد است. تصمیم آسانی نبود، مخصوصاً با اتفاقاتی که در ۲ سال اخیر در بارسا رخ داده بود. رشد و پیشرفتی که داشتیم باورنکردنی بود.

خانواده‌ام در زندگی‌ام نقش مهمی دارند و این‌جا آمدن برای آن‌ها هم مفید بود. حالا از ماجراجویی جدیدی که با هم داریم واقعا خوشحالیم. در بارسلونا دوران خوبی داشتیم و با همان انگیزه و برای تاریخ‌سازی به این تیم آمده‌ام.

پیغام تراشتگن برای کلودیو براوو

کلودیو براوو و تراشتگن در دو فصل گذشته دروازه‌بان‌های اول و دوم بارسا بودند. براوو در لالیگا و تراشتگن در لیگ قهرمانان و کوپا دل ری به میدان می‌رفتند با این حال به دلیل ناراضی‌انی این دو دروازه‌بان از شرایط موجود، چاره‌ی جز جدایی یکی از آن‌ها نبود. سرانجام این براوو بود که درخواست جدایی داد و با یک قرارداد مالی خوب راهی سیتی شد.

تراشتگن پس از پیوستن براوو به سیتی در صفحه اجتماعی خود خطاب به وی نوشت: رقابت سخت و عادلانه ما بسیار انگیزه‌بخش بود. ما کنار هم جام‌های زیادی فتح کردیم. برایت آرزوی موفقیت می‌کنم.

رونالدو: به زودی

به میادین برمی‌گردم

کریستیانو رونالدو، ستاره رئال مادرید به هوادارانش حتم داد که به زودی به میادین بازخواهد گشت.

رونالدو در فینال یورو دچار مصدومیت شد و از همین رو تمرینات با رئال را دیرتر از دیگر بازیکنان آغاز کرد. او در بازی اول رئال غایب بود و انتظاری روی رد بازی دوم نیز حضور نداشته باشد. حال او که اخیراً عنوان بهترین بازیکن اروپا را کسب کرده به هوادارانش حتم داد که به زودی به میادین بازخواهد گشت.

او گفت: به زودی به میادین بازخواهم گشت. از همه ممنونم به خصوص هم‌تیمی‌هایم که کمک کردند این عنوان را کسب کنم. حالا هیجان‌زده هستم و می‌خواهم بیشتر تلاش کنم و جام‌های بیشتری کسب کنم.

لالانا: خودم را به کلوپ

ثابت می‌کنم

آدام لالانا، هافبک لیورپول مدعی شد که تلاش زیادی تحت هدایت کلوپ انجام می‌دهد تا بدرخشد.

لالانا در دو بازی خود در لیگ برتر تا به این‌جا کار یک گول به ثمر رسانده و یک پاس گول برای هم‌تیمی‌اش ارسال کرده است. او که سال ۲۰۱۴ با ۲۵ میلیون پوند از ساوتهمپتون به لیورپول پیوست، همواره مورد انتقاد هواداران بوده ولی حال به تمجید از تلاش خود تحت هدایت کلوپ پرداخت.

او گفت: یک مطلبی درباره صحبت‌های مربی پس از بازی با آرسنال خواندم که او درباره حضور بازیکنان در محوطه جریمه صحبت کرده بود ولی به من اطمینان کنید، برای او این‌که چه کسی گول زده اهمیت ندارد. گول‌زنی‌ام اتفاق خیلی خوبی بود ولی برای او تنها به ثمر رسیدن گول اهمیت دارد. هر چه سنم بالاتر می‌رود، متوجه می‌شوم که بیشتر باید در اختیار تیم باشم و از موقعیت‌هایم گذشته و به دیگران پاس بدهم. لالانا درباره دوستی‌اش با پوچتینو گفت: مربیان زیادی نیستند که پس از جدایی همچنان با آن‌ها در ارتباط باشید ولی من با مائوریسیمو ارتباط خوبی دارم. فصل گذشته آرزو داشتم تاتنهام قهرمان لیگ شود. من طرفدار تاتنهام نیستم و فقط به خاطر او دوست داشتم این اتفاق بیفتد.

